



Bamdad Irani

Share



Home



آرمان امیری

Shared publicly - Jul 4, 2013



آرمان امیری

در جریان این مناظره، دکتر زیباکلام مدعی می‌شوند که آقای راجرز، فرمانده ناو «وینسنس» به دلیل شلیک به هواپیمای ایرانی مدال افتخار دریافت نکرد بلکه به پاس یک عمر خدماتش در نیروی دریایی از او تقدیر شد. در نقطه مقابل آقای کوشکی با دروغ‌گو خواندن دکتر زیباکلام به روزنامه‌ای آمریکایی ارجاع می‌دهد که ادعا می‌کند از راجرز به خاطر زدن هواپیمای ایرانی تقدیر شده است. در بخش دیگری هم باز به دلیل اینکه دکتر زیباکلام ادعا کرده بود کاپیتان آمریکایی فرصت کمی برای تصمیم‌گیری داشته از جانب آقای کوشکی «دروغ‌گو» خوانده می‌شود و ادعا می‌شود که او هفت دقیقه وقت داشته. من اطلاع چندانی از این ماجرا ندارم و فقط از صفحه ویکی پدیا مطالبی در این رابطه را ذکر می‌کنم:

- نخست اینکه هم در صفحه آقای راجرز و هم در صفحه مخصوص به خود حادثه تاکید شده که در مراسم تقدیر از آقای راجرز هیچ اشاره‌ای به واقعه حمله به هواپیمای ایرباس نشده است.

- دوم اینکه در آن مدت زمان ۷ دقیقه‌ای که از آغاز پرواز هواپیمای ایرانی از فرودگاه سپری شده، در مجموع ۱۱ اخطار از جانب ۳ ناو آمریکایی برای این هواپیما ارسال می‌شود. در نهایت مذاکرات فراوانی میان خدمه سه ناو شکل می‌گیرد که برخی اعتقاد دارند این هواپیما جنگی است و برخی می‌گویند جنگی نیست. در لحظه نهایی تصمیم را راجرز می‌گیرد که فرمان شلیک می‌دهد. به هر حال می‌توان حرف دکتر زیبا کلام را درک کرد که تصمیم‌گیری در مورد مجموعه‌ای از اخبار ضد و نقیض پس از ارسال ۱۱ پیام هشدار طی هفت دقیقه و در حالی که کاپیتان آمریکایی مسؤول حفظ جان خدمه خودش بوده می‌تواند نوعی «تصمیم‌گیری در زمان کوتاه» قلمداد شود.

ویکی پدیا:

http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%BE%D8%B1%D9%88%D8%A7%D8%B2_%D8%B4%D9%85%D8%A7%D8%B1%D9%87_%D8%B6%DB%B5%DB%B5_%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86_%D8%A7%DB%8C%D8%B1



مناظره پیرامون واقعه هواپیمای ۶۵۵/ قسمت دوم زیباکلام: فرمانده ناو وینسنس مجبور بود موشک را شلیک کند/ کوشکی: آمریکایی‌ها از شما راست‌گوترند

farsnews.com



43 comments



hassan behzadian Jul 4, 2013 +4

من نمی‌توانم بپذیریم ناو جنگی ای که برای دفاع همزمان در برابر چند هواپیمای نظامی آماده است، حتی از سرعت هواپیما نفهمد که این هواپیما مسافربری است



آرمان امیری Jul 4, 2013 +2

نمایندگان ایرانی در کمیته حقیقت‌یابی که تشکیل شده حضور داشته‌اند و من دلیلی نمی‌بینم که بخواهم در موردی تا این حد تخصصی به این کمیته حقیقت‌یاب شک کنم.



hassan behzadian Jul 4, 2013 +1

و گزارش این کمیته حقیقت باب کجا منتشر شده؟



آرمان امیری Jul 4, 2013

من از همان صفحه ویکی پدیا خواندم. چیز بیشتری نمی‌دانم.



سید جواد Jul 4, 2013 +2

یعنی روشنفکری یعنی دفاع از پرچم دار سکولاریسم حتی از اسلحه سکولاریسم حتی از آدم کشیهای سکولاریسم حتی از هبروشیما حتی از زدن یک هواپیمای مسافر بری حتی از تمام اشتباهات آمریکایا که بهانه تمام آدم کشی ها وتجاوزات اونهاست



آرمان امیری Jul 4, 2013 +17

+سید جواد نه رفیق جان

روشنفکری یعنی جایگزین کردن منطق و عقلانیت به جای چشم بستن و شعارهای هیجانی دادن.



Mehdi Omrani Jul 4, 2013 +11

من فکر میکنم چه تصمیم گیری سریع بوده چه حالت دیگه، اصل جنایت توجیه نمی شه و هواپما در مسیر همیشگی اش به سمت مقصد راهی بوده، این شاید قابل فهم باشه که یکی تصمیم اشتباه گرفته و یی این قابل فهم نیست که وقتی تبعات اون تصمیم اشتباه اش کشتن آدم ها به این نحو بوده این موضوع در این ه کاری اون آدم تأثیر نذاره و در نهایت با مدال بازنشسته بشه (اصلا مهم نیست این مدال برای اون کار نبوده، مهم اینه که اون مدال در پایان دوره کاری به شخصی با این اشتباه هولناک اعطا شده) بزرگترین آدم ها هم ممکنه اشتباه کنن، اما اینکه اشتباهی در این سطح و با این بازتاب (باز هم می گم ولو اینکه توجیه و اکسکیوز داشته باشه) نتیجه اش مهمه و حداقل اش اینه که اون آدم با افتخار بازنشسته نشه و حداقل اش اینه که کشور مرتکب شونده عذرخواهی کنه. رفتار آمریکایی معنی اش اینه که این خون ها رنگین نیست و معنی صیح اش بی احترامی به مردمی یه که اتفاق براشون افتاده. خیلی ها می میرند در جنگها، خیلی افسران تصمیمات اشتباه می گیرن که موجب کشته شده خیلی های دیگه می شه، اما وقتی يك اتفاقی خارج از کانتکتست اتفاق افتاد و رسانه یی شد و اشتباه شخص (حتی با اکسکیوز) حداق رفتار متمدنانه مورد انتظار عذرخواهی و تنبیه مرتکب شونده س.



Fariborz Soroush Jul 4, 2013

یه وقت سوء برداشت نشه ولی برای قضاوت درست مخصوصا در یه همچین مواقعی باید حد وسط رو نگه داشت.

اول در مورد حادثه. وقوع حادثه ۷ دقیقه پس از برخاست به معنی این هست که هواپما در بد ترین حالت ۵دقیقه در محدوده راداری و خطرناک ناو قرار داشته. تنگه هرمز محل بسیار حساسی هست و مسلما crew نظامی آمریکایی به خوبی به اهمیت این قضیه واقفه. ۱۱ پیغام خطا هر کدام حداقل ۳۰ ثانیه زمان برای بیان لازم داشته! دقت کنین که اگه فیلم خیلی دیدید نباید به حرف زدن توی خیابون آمریکایی ها توجه کرد! پروتکل ناتو و ایکائو در مورد برقراری تماس رادیویی بسیار مشخص هست. بنابراین پرواز ۶۵۵ ایران ایر با کد IR655 به شکل زیر باید تلفظ بشه و روی کانال خودش:

India Romeo six five five که طبیعتا Eco Pappa هم اولش هست!... و فکر کنید پیغام اخطار چه زمانی میطلبه. یکی از دلایلی هم که توی همین پرونده بهش اشاره شده همین هست که کانال ناو یکی نبوده.

در همین حین حساب کنید که پروتکل ناتو در مورد اجسامی که درحال نزدیک شدن هست به وسایل خودی چی میگه! یه ناو هواپما بر در آبهای آزاد بسیار حساستر برخورد میکنه و دقت کنین که وینسنس یکی از اسکورت های ناو هواپمابره که نسبت به اجسام خارجی که جوابی به اخطار نمیدند بی تأمل پاسخ کشنده ای میده!

نکته دیگه ای هم هست. بعضی دوستان اشاره میکنند به سرعت و همینطور تکنولوژی تشخیص دوست از دشمن!

ببینید عزیزان! همون طور که مستحضرد افراد ارتشی الزاما انسانهای باهوش و تحصیل کرده مناسبی نیستند که بتونن آنالیز کنند. وینسنس درسته یه ناو نسبتا پیشرفته بود ولی افسر رادار که یاد نگرفته بر حسب سرعت نزدیک شدن خطر، تشخیص ماهیتش رو بده. اون رادار قابلیتش رو نداشته! تکنولوژی تشخیص دوست از دشمن توی هواپیماها کاربرد زیادی داره ولی در مورد وسایل دریایی و زمینی توی کمتر از ۱۰ سال اخیر این پدیده داره استفاده میشه. این تکنولوژی در تامکت های ایران صرفا یه شکلی هست که بتونه هواپیماهای روسی رو تشخیص بده! و دقت داریم حادثه وینسنس تنها کمتر از ۱۰ سال از تحویل آخرین تامکت به ایران تحویل شد در حالی که این تکنولوژی در حال توسعه بود!

دوم در مورد وقایع بعدی: دولت ایالات متحده از خانواده ها و نه دولت ایران عذرخواهی کرد و علی الظاهر یه خانواده ها غرامت پرداخت.

همون طور که دوستمون هم اشاره کردند در داخل کمیته حقیقت پاب اعضای ایرانی نیز بوده پس کاسه داغتر از آش نباشیم!

ناخدای وینسنس حتی اگر کار غلطی کرده چیزی جز انجام وظیفه نبوده. به اون باید این حق رو داد! با جسم ناشناخته ای مواجه بوده که اعضای تیمش رو داشته به خطر مینداخته. جسم مذکور ارتفاعی نزدیک به ۱۰ کیلومتر داشته و با سرعت ۰.۸۵، ماخ داشته نزدیک میشده!...در ارتش اولین اشتباه آخرین اشتباهه چون

بعدش زنده نیستی!

پس دادن مدال به خاطر خدماتش همچین nonesence نبوده!

Hangouts



hassan behzadian Jul 4, 2013 +1

تا چند سال پیش که می‌گفتن این هواپیما به خاطر مخفی شدن F14 های ایران در پشت ش هدف قرار گرفته، حالا میگن دفاع بوده
بماند که دفاع تریبی داره، من حقوق بین الملل نخوندم، ولی آبهای آزاد مال ناو نبوده که بخواد هر چیز نزدیکش رو بزنه، اونجا همه حق دارن باشن
اما در مورد تشخیص سرعت، همین امروز یک بچه 4 ساله هم می‌تونه از سرعت هواپیما بفهمه نظامی هست یا مسافربری، چطور کسی که باید برای این موضوع آموزش دیده باشه، نتونسته تشخیص بده؟
راه دور نریم، چند سال قبل یک سرباز آمریکایی شب هنگام 16 افغانی رو توی خونشون کشت، دادگاه آمریکایی چه حکمی داد؟ حکمی کمتر از حکم قاضی مرتضوی، یعنی انفصال دائم از ارتش
اسرائیل هم در حمله به کشتی مرمره، این حرف ها را میزد، اینکه امنیت ما زیر سوال رفته بود و ممکن بود نیروهای نظامی ما مورد هدف قرار بگیرند
خنده دار نیست؟



hassan behzadian Jul 4, 2013 +1

این همه توجیه از هموطنان گرامی بابت خطایی که کس دیگه ای کرده فقط به خاطر اینکه با نظام مشکل داریم و نظام با خطاکار مشکل داره؟
صحبت از جان 290 نفر از هموطنان ما هست، که حتی اگر ایرانی هم نبودند، باز هم باید برای ما عزیز می‌بودن



لا دری Jul 4, 2013

ادبیات آقای کوشکی هم در اینجا جالب و تفکر برانگیزه: ایشان نمی‌گویند «به نظر من شما در مورد اشتباه کردید» میگویند «تو دروغ‌گویی».



سید جواد Jul 4, 2013

مثلا منطق یعنی اینکه آمریکا برای دفع خطر محتمل ایران مسیر پیشرفت ایران ر و سد کنه ما هم قبول کنیم و منطق یعنی اینک هدر گرماگرم جنگ یک ناو عملیاتی اشتباه اینگونه کنه و ما هم باور کنیم و ربطی به جنگ نداشته باشه حال اینکه این اگر یک اشتباه باشه باید حداقل نمونه دیگه ای هم از این اشتباه و خطا ثبت شده باشد
بعد من روشنفکری رو به کارنامه اش میشناسم نه بع شعارش انگونه که شما شعار میدید



Bamdad Irani Jul 4, 2013 +3

حتی در برنامه‌ی جانب‌دارانه‌ای که بی‌بی‌سی فارسی تهیه کرده بود و در آن هیچ اشاره‌ای به این‌که هواپیمای ایرانی در مسیر تجاری و عادی خود در حال پرواز بود نشد، هم اشاره شده که کاپیتان ناو آمریکایی احتمالا «ستیزجویانه» رفتار کرده و پروتکل‌های نیروی دریایی آمریکا را رعایت نکرده.

اما به نظر من موضوع از کاپیتان ناو آمریکایی به مراتب فراتر می‌رود. بله ایشان در چارچوب یک پارادایم بالا به پایین امپریالیستی که به خودش اجازه می‌دهد هر جای جهان که لازم دید حضور نظامی داشته باشد و مرزهای آمریکا را سراسر جهان می‌بیند عمل می‌کرد و در آن چارچوب خود را محق به دفاع می‌دید.



Pooya zar Jul 4, 2013 +1

از این فیلمی که بی بی سی از روی عرشه ناو بعد شلیک نشون داد ، فکر کنم خدمه یقین کرده بودن نظامیه هواپیما. دو صحنه داشت: اول یارو گفت موشک به هدف خورد همه پریدن بالا شادی کردن، بعد دو دقیقه فهمیدن هواپیما عادی بوده یه بُهت سکوت عجیبی رو عرشه رو گرفت و قیافه ها همه رفت تو هم



سید جواد Jul 4, 2013

دکتر زیبا کلام شخصیت بی خودی داره
غرق در هژمونی آمریکاست



hassan behzadian Jul 4, 2013 +1

نکته ای که **Bamdad Irani** هم گفت، نکته جالبیه، هر روزه دهها و صدها هواپیما از مسیرهای مشخص هوایی در این منطقه عبور می‌کنند، همه شون باید مورد هدف قرار بگیرند؟



دلی جان Jul 4, 2013 +1

من فقط به یه موضوع اشاره کنم، تو عملیات حمله به اچ سه، برای فریب دشمن از یه هواپیمای مسافربری برای سوختگیری جنگنده ها استفاده شد. بدین شکل که سوختگیری تو آسمون ترکیه انجام شد و همه تصور میکردند هواپیمای تانکر یه هواپیمای مسافربریه.
گویا استفاده از ه.اپیمدی مسافربری به جای تانکر مغایر قوانین بین المللی بوده.
این یعنی اینکه، بله، ناو تشخیص داد هواپیما مسافربریه ولی باز هم شک داشت. (تصور کنین دو کشور در حال جنگ با هواپیماهای مسافربری هم با هم بجنگند، کلیه خطوط هوایی مسافرتی اون منطقه برای همه

کشورهاي دنيا ناامن ميشه, پس قانونش قانون منطقي بوده که ايران نقضش ميکنه)

و چون شک داشت در نهايت شليک کرد.

البته ادعاي بالا از محمد نوريزاد هستش.

ثانيا کنجکاوم بدونم جواب هواپيماي ما به اخطار هاي ناو چي بوده.



mohammad ali abdollahi Jul 4, 2013

متأسفم، یک عده هموطن ما کشته شدند. بعد یکی کار قاتلشون رو توجیه میکنه

اون فرمانده آمریکایی که فرق هواپیمای نظامی و مسافری رو نمیفهمه باید بهش مدال حماقت داد

Hangouts



Majed Taheri Jul 4, 2013

.



سید جواد Jul 4, 2013

منطق یعنی همانی که **Mehdi Omrani+** اشاره کردند



آرمان امیری Jul 4, 2013 **+2**

من چند نکته تکمیلی بگویم:

۱- در تمام بحث هایی که من از جانب طرفین دیده‌ام، هیچ کس اشاره‌ای به امکان تشخیص هواپیما از روی سرعت آن نکرده است. البته یک کاپیتان آمریکایی دیگر به این نکته اشاره کرده که هواپیما در حال اوج گیری بوده که می‌توانسته نشان‌گر غیرنظامی بودن آن باشد. چون هواپیمای نظامی در آن ارتفاع اگر قصد حمله داشته باید شیرجه می‌زد. اما بحث سرعت را مطرح کردن اصلا محلی از اعراب ندارد. چون هواپیمای نظامی هم اگر لازم باشد عملیات فریب را انجام بدهد می‌تواند آهسته‌تر پرواز کند. خلاصه اینکه هیچ گاه از روی سرعت یک هواپیما در مورد ماهیت آن قضاوت نمی‌کنند.

۲- تاکید مداوم بر روی «مسیر عادی پرواز» هم محلی از اعراب ندارد. دقیقا به این دلیل که فرودگاه بندرعباس در آن دوره کارکرد دوگانه نظامی-تجاری داشته و صرفا از روی مسیر پرواز امکان تمایزگذاری میان این دو وجود نداشته است. ضمن اینکه گروه تحقیق بی‌طرف هم تایید می‌کند که در روزهای دوم و سوم جولای دو کشتی پاکستانی و لیبرایی در همان منطقه مورد حمله (احتمالا از جانب نیروی هوایی ایران) قرار گرفته‌اند و احتمال حمله سوم بعید نبوده است. به هر حال این را می‌دانیم که ایران در طول جنگ بارها از کشتی‌های مسافربری به قصد اهداف نظامی استفاده کرده بود و در این راه اتفاقا مرز قانونی کشورهای همسایه را هم رعایت نمی‌کرد. نمونه نخست عملیات «حمله به اج ۳» بود که هم مرز ترکیه را نقض کردیم و هم از هواپیمای مسافربری به قصد سوخت‌گیری جنگنده - بمب‌افکن‌ها استفاده کردیم. نمونه دوم عملیات «شمشیر سوزان» یا «اوسیراک» بود که باز هم همین کار را تکرار کردیم.

۳- حریم دریایی ایران توسط ناو وینسلنس نقض شده بود اما این مساله وقتی کشور در حالت جنگی قرار دارد بی‌معنی‌ترین استدلالی است که می‌توان به کار برد! در آن دوره ایران و آمریکا به صورت مستقیم با هم درگیر بودند و آمریکا علاوه بر ناوچه‌های ایرانی (همچون سهند و سبلان) به سکوهای نفتی ایران هم حمله کرده بود. پس تاکید بر این مساله در دوره جنگ اساسا محلی از اعراب ندارد.

۴- شرح گفت و گوهای میان سه ناو آمریکایی که نوارهای ضبط شده هستند و توسط گروه تحقیق بی‌طرف هم مورد بازبینی قرار گرفته‌اند کاملا نشان می‌ده بین خدمه آمریکایی اختلاف نظر آشکاری وجود داشته و آن‌ها واقعا قادر به تشخیص حقیقت نبوده‌اند.

۵- مساله اصلی که واقعا باید به آن پرداخت این است که آمریکایی‌ها پس از آنکه خودشان هم فهمیدند که اشتباه کرده‌اند، برای آنکه وجهه خود را حفظ کنند تلاش کردند تا اشتباه انسانی کاپیتان را تا حد امکان کمرنگ جلوه بدهند. این برخورد از جانب آمریکایی‌ها طبیعی و از جانب ناظر بی‌طرف «غیر منصفانه» بوده است. اما میان چنین رفتاری با این توهم توطئه که حمله به هواپیمای مسافربری یک اقدام از پیش تعیین شده و یک دستور از مقامات بالا بوده یک دنیا فاصله است. تلاش این دست شفاف‌سازی‌ها، نه برای توجیه اشتباه یک افسر آمریکایی و یا فراموشی قربانی شدن صدها شهروند کاملا بی‌گناه است، بلکه برای تنگ‌تر کردن عرصه برای فرصت‌طلبانی است که قصد دارند از هر «حادثه»‌ای در راستای تقویت تئوری‌های تماما متوهمانه و توطئه پندار خود استفاده کنند. می‌دانیم که در تمام ۲۰ سال گذشته تبلیغات رسمی حکومت به گونه‌ای بود که گویی آمریکایی‌ها با دستور مقامات ارشد کاخ سفید به ایرانیان غیرمسلح حمله کرده و سپس برای این پیروزی خود جشن و تشویق به راه انداخته‌اند. تصویری تماما دروغین و فقط کینه‌پر دازانه که بهتر است بعد از این همه سال در موردش توضیح داده شود.



hassan behzadian Jul 4, 2013

ربطی به توطئه نداره، اونها هواپیمای مسافری ایران رو زدن و عنرخواهی رسمی هم نکردن

اینکه ایران چنبدار از این روش استفاده کرده است یا نه اصلا ربطی ندارد، اون ناو باید می فهمید که

هواپیما مسافری است

ارمان اینقدر توجیه نکن



Mehdi Omrani Jul 4, 2013

+آرمان امیری جان گرچه در بسیاری از موارد همنظریم، اما در این مورد خاص باید بگم اگر به دلایلی واکنش مقامات آمریکایی در سرپوش گذاشتن به ماجرا طبیعی یه، به همون دلایل هم واکنش مقامات ایرانی هم در عمدی جلوه دادن ماجرا طبیعی یه، و اگر از نظر يك ناظر بي طرف هر دو واکنش غیر منصفانه به نظر می آد، اونوقت ناظر بي طرف نمی تونه و نباید فلش اش صحبت اش رو تنها به يك سمت نشانه بره.



سید جواد Jul 4, 2013

+آرمان امیری

اتفاقا اساس این موجه جلوه دادن یک جنایت جنگی خطرناک است امیدوارم این را درک کنید که مساله اولاتری است
قطعا دست باز امریکا در جنایتهای جنگی چه از جانب قوانین بین المللی چه از جانب مردم این کشور و چه از جانب روشنفکرانی نظیر زیبا کلام عامل بسیاری از فجایع انسانی چند سال اخیر در عراق افغانستان پاکستان و ... بوده است



Fariborz Soroush Jul 4, 2013

خدا رو شکر تا امروز نه از کارهایی که برای این نظام و مملکت کردم سوء استفاده کردم نه اینکه منتی سر کسی داشتم ولی اینکه دوستان از من به «هر کسی» و «مشکل دار با نظام» و امثالهم یاد میکنند و در رد استدلالم تعصب قومیتی و ملیتی رو به جای دلیل واضح و میرهن میارن نشون از نوع نگاهشون داره. آقای امیری خوب گفتن. عملیات اچ ۳ بزرگترین گواه هست! اقایون! اگه نمیدونین برید پروفایل من رو بخونید بدونید که من از رو باد شکم این حرفها رو نزدم! سطح مقطع راداری به نره خری به اسم F-14 Tomcat که به رنگ طوسی و آبی روشن در نیروی هوایی ایران خدمت میکنه با مقطع راداری A300 در یک رادار پالس داپلر باطراحی ۱۹۶۵ یکی هست!!!!!!
اون دوستی که میفرمایند بچه ۴ ساله از رو رادار تشخیص میده لطفا وقتی نمیدونه حرف نزنه!!!! به چی قسم بخورم خدا!!!!... نمیدونید لازم نیست حرف بزنید!.... هیچ متخصص راداری رو تا امروز ندیدم یه همچین حرفی بزنه که ایشون میزنه!!!!
اصلا ولش کنید!
من وطن فروش و عامل بیگانه! اسم من رو هم که اینجا دارید! یاعلی! زنگ بزنین ۱۳!!!! وقتی کسی نخواد فکر کنه دلیل و منطق فایده نداره!
موفق باشید و پاینده!



Fariborz Soroush Jul 4, 2013

ضمنا

در اوایل حمله امریکا به عراق ۲ موشک کروز آمریکایی مستقیما به ساحل اروند برخورد کرد و ۳ کودک رو کشت! نه تنها عذرخواهی انجام نشد بلکه غرامت هم به خانواده اونها پرداخت نشد!



سید جواد Jul 4, 2013

+Fariborz Soroush

اینا از نظر دکتر زیبا کلام (احتمالا)طبیعیه

غیر طبیعی اینه که مثلا ما بریم از ناو آمریکایی عکس هوایی بگیریم یا چند پهباد آمریکایی رو زمین گیر کنیم این باید رسیدگی بشه ایران نباید تنش زایی کنه :)



+3 Jul 4, 2013 **آرمان امیری**

+hassan behzadian چی رو توجیه نکنم رفیق جان؟ یعنی تا نگویم «مرگ بر آمریکا» از اتهام «توجیه» خارج نمی‌شوم؟

«اونا باید می‌فهمیدن» دقیقا چه شیوه‌ای از استدلال است؟ شما خودت را سر سوزنی متعهد به اندیشیدن در مورد استدلال‌های مقابل می‌دانی؟ ۱۱ اخطار ظرف مدت ۷ دقیقه برای شما هیچ مفهومی ندارد؟

چرا تکرار استفاده ایران از این روش ربطی به این مساله ندارد؟ آمریکایی‌ها در جریان جنگ جهانی هم با کشور ژاپنی مواجه شدند که از عملیات‌های «کامیکازه» استفاده می‌کرد. در طول هشت سال جنگ هم دولت عراق در تبلیغات جهانی خودش به شدت روی استفاده‌های ایران از تجهیزات و منابع غیرنظامی با اهداف نظامی مانور داده بود. چرا فکر می‌کنید کاپیتان آمریکایی در آن لحظه احتمال نداشته به همه این چیزها فکر کند؟

همه این‌ها به کنار. دولت آمریکا عذرخواهی نکرده؟ خوب غلط کرده که نکرده. اما مگر اتفاق عجیبی است؟ سفیر ایران می‌رود در برزیل گندکاری به بار می‌آورد، دولت ایران می‌گوید «سو عنعناهم فرهنگی بوده». (در مورد جنایت بمب‌گذاری در بوئنوس آئیرس حرف نمی‌زنم که اصلا ایران گردن نمی‌گیرد) بعدش هم شما چرا نادیده می‌گیرید که دو کشور در وضعیت جنگ مستقیم بوده‌اند. مثلا کسی انتظار دارد دولت ایران به خاطر اشغال سفارت آمریکا و گروگان گیری دیپلمات‌های این کشور عذرخواهی کند؟ همان زمان آمریکا ناوگان دریایی ایران را شخم می‌زد. ایران هم به صورت متقابل یک کشتی کاملا تجاری را که با پرچم آمریکا و تحت حمایت آمریکا و نظارت مستقیم تمامی شبکه‌های تلویزیونی جهان در حرکت بود منهدم کرد و فرستاد روی هوا. فکر می‌کنید کسی عذرخواهی کرد؟



Jul 4, 2013 سید جواد

البته جنگ امریکا با عراق را فرمون خوب قطعا ایران بی طرف بوده اون موقع



Jul 4, 2013 آرمان امیری

تا حدودی به شما حق می‌دهم. اما حرف شما زمانی تکمیل می‌شود که طرفین این مجادله از شرایط یکسانی برخوردار بوده باشند. یعنی افتخاری نیست شما بروید در آمریکا و در مورد احتمال خطای انسانی کاپیتان حرف بزنید. دولت آمریکا احتمالا به اندازه کافی در این زمینه توی کشور خودش تبلیغات کرده. اگر روشنفکری بخواهد در کشور آمریکا به وظیفه و تعهد خودش عمل کند باید بیاید همین استدلال‌های دوستان را ببرد و به گوش مردم آمریکا برساند تا وزنه تعادل کمی به وسط کشیده شود.

انتظار دارید من اینجا چه بگویم؟ بیایم و بخشی از وقت خودم را صرف مرور کردن هرآنچه بکنم که صبح تا شب در تمام رسانه‌های رسمی می‌توانید پیدا کنید و یا در مدرسه‌ها به زور به بچه‌ها فرو می‌کنند؟ من گمان نمی‌کنم این شیوه مناسبی برای حفظ استقلال در نگرش باشد. من حرفی را می‌زنم که جای خالی‌اش احساس شود. باقی حرف‌ها را که دیگران هم زده‌اند و من هم رد نمی‌کنم. (مثلا اینکه کاپیتان در نهایت وزنه تصمیم‌گیری را به سمت پرخاش‌جویی داده در حالی که می‌توانست این کار را نکند)

همان‌طور که می‌بینید، مساله به گونه‌ای نهادینه شده که تلاش برای بازگویی این حقیقت که مساله واقعا یک اشتباه انسانی بوده (ولو ز ابیده روحیه خشن یک کاپیتان که کمی هم خصومت‌آمیز برخورد کرده) و نه محصول یک نقشه طراحی‌شده و دسیسه «امپریالیستی»! چه مقاومتی ایجاد می‌شود.



Jul 4, 2013 آرمان امیری +1

+سید جواد رفیق جان

اگر از اول بحث به شیوه این کامنت آخری صحبت می‌کردید، نظر شما قطعا قابل تامل بود و من هم می‌توانستم روی آن فکر کنم و یا بپذیرم و یا جوابی بدهم. اما متأسفانه شیوه شروع بحث شما به گونه‌ای بوده که من حتی این کامنت آخری شما را هم نمی‌توانم منصفانه بخوانم و بدون پیش‌زمینه بررسی کنم. امیدوارم در بحث‌های آینده از ابتدا به همین شیوه وارد شوید.



Jul 4, 2013 سید جواد

(:
حالا قبلیا رو هم بخونید دوست دارم نظرتون بشنوم



Jul 4, 2013 Fariborz Soroush +1

مسئله این هست که دوستان فکر میکنند ما میخایم کار اون کاپیتان رو توجیه کنیم!
خیر عزیزان! هیچ کس این کار رو صحیح نمیدونه! ولی کمی خودتون رو بذارید جای اونی که اونجاست!
ظرف کمتر از ۱۰ دقیقه از یه زندگی خوب داشته زندگیش رو از دست میداده! با این تصور قرار نیست اون منطقی فکر کنه!.... حزب الله غیور! در قانون مدنی جنون آنی وجود داره! شما به این اصل تو جنگ معتقد نیستید؟!.... لابد دشمن رو ماشینی میبینید که همیشه مٹ ساعت کار میکنه و شما هم فقط و فقط به فضل الهی ترتیبش رو میدید!.... یا علی آقایان! موفق باشید.
+آرمان امیری راستش من نمیدونم چی بگم. شما موفق باشید.



Jul 4, 2013 Mehdi Omrani +1

اوکی +آرمان امیری

بحث ما و اختلاف نظر ما اگر ادامه پیدا کند شاید به ریشه هایی مثل تعهدات روشنفکر و نسبت آن با انصاف و استقلال کشیده شود، که نه به موضوع فعلی این پست شما نزدیک است و نه به حوصله ی من. به هر حال شما آنچه را بیان می کنید که صلاح می دانید، اما در فکر من و در این موضوع خاص بحث از اصرار بر عدم معذرت خواهی دولت آمریکا همانقدر مهم است که تلاش برای نشان دادن منافع دکان داران مرگ بر آمریکا و به نظر من جاهایی هست که روشنفکر (در جهت ایجاد فکر و رشد جامعه اش) باید بتواند درباره مسائل ملی اش کشورش با توجه و در نظر گرفتن ملیت اش اظهار نظر کند.



Jul 4, 2013 Mehdi Omrani

برای اینکه این خط آخر سوتفاهم نشود عرض کنم که نه اینکه روشنفکران خلاف ملیت شان عمل می کنند، بلکه نظر من اینست که گاهی بر آن باید اصرار داشته باشند.



Jul 4, 2013 آرمان امیری

+Mehdi Omrani من منظور شما را متوجه می‌شوم. اما این بحث ملیت تنها در پی‌وند با مخاطب معنا پیدا می‌کند. من به زبان فارسی و خطاب به مخاطب ایرانی بر هویت و ملیت ایرانی خودم تأکید بکنم که چه بشود؟ من از دولت آمریکا انتقاد بکنم که چه بشود؟

شما بگردید در مطالب من ببینید من تا به حال از عملکرد قاضی مرتضوی انتقاد کرده‌ام؟ از عملکرد سردار احمدی مقدم انتقاد کرده‌ام؟ از عملکرد حزب مؤتلفه انتقاد کرده‌ام؟ نه، اما مه یادداشت به شما نشان می‌دهم در انتقاد از عملکرد اصلاح‌طلبان یا خاتمی یا حتی موسوی و یا جنبش سبز و فعالان جنبش سبز و احزاب اصلاح‌طلب. چرا چون من خواستار بهبود و ارتقای عمل این جریان هستم و خودم را جزو این جریان می‌دانم و می‌خواهم مو را از چشم این جریان بیرون بکشم. اینکه تیری هم در چشم رقیب وجود دارد به خودت در مربوط است.



شیوه‌ی کول شما در صحبت کردن در مورد طبیعی بودن تصمیم آمریکایی‌ها آدم را عصبی می‌کند. اما از آن بگذریم.

اولا که ایران و آمریکا هرگز علیه یکدیگر اعلان جنگ نداده بودند و رسماً در موضع جنگ نبودند. درست است که درگیری‌های جدی‌ای در گرفته بود اما هیچ موضع جنگی‌ای اعلام نشده بود. هیچ هشدارى از سوى نیروهای آمریکایی مبنی بر این‌که مثلاً هواپیماهای مسافرى ایرانی حق پرواز ندارند یا نباید از فراز خلیج فارس عبور کنند داده نشده بود.

ثانیاً فراموش نکنید که در جنگ ایران و عراق، متجاوز عراق بود و در نتیجه‌ی حامیان عراق که بعداً به سود این کشور وارد جنگ شدند نیز متجاوز محسوب می‌شوند. من کاری به جزئیات حقوقی داستان ندارم که ساز و کار حقوق بین‌المللی امروز را فاتحان جنگ جهانی شکل داده‌اند و تقریباً به صورت صد در صد خود از گزند آن ایمن هستند. مهم هم نیست چه کار کنند. از بهاران درسند و توکیو بگیر، تا استفاده از سلاح هسته‌ای تا استفاده از انواع سلاح‌های ناپالم و عامل سرخ و خوشه‌ای و فسفوری در یمن و لبنان و عراق و

ثالثاً از خود آمریکایی‌ها نتدرند نزوید لطفاً! این‌ها خودشان هم نمی‌گویند ما هوایی‌های مسافری را زدیم چون ایران آمده بود و قبلاً از هوایی‌های مسافری به عنوان سلاح استفاده کرده بود. موضع‌شان این است که نفهمیدیم، اشتباه تشخیص دادیم و شرایط خاص بود و زمان تصمیم‌گیری کم بود. در ضمن خود تحلیل‌گران‌شان می‌گویند کاپیتان آمریکایی به خاطر دنبال کردن قایق‌ها و ورود به آب‌های ایران موضع سستیزم‌جویانه داشته و به همین خاطر هم خودش را در وضعیتی قرار داده که بخواهد چنین تصمیم‌های پارائوایی‌ای بگیرد. می‌دانید این حرف اگر باز شود و عمق‌اش را پیدا کنید یعنی چه؟ یعنی کاپیتان آمریکایی از پروتکل‌های نظامی خودشان تخلف کرده و در نتیجه مرتکب جنایت جنگی شده است.

من متوجه نمی‌شوم شما سعی می‌کنید چه چیزی را کول نشان دهید؟ اقدام ناو آمریکایی در ساقط کردن هواپیمای مسافری ایران در **بهترین حالت** یک اشتباه بزرگ و یک رسوایی تاریخی و ملی برای آمریکاست و به خاطر آن باید رسماً از ملت ایران عذرخواهی کند. هر موضوعی کمتر از این جز تلاش برای کاستن بار مسئولیت کسانی که مرتکب این فاجعه شدند خواهد بود.



Bamdad Irani+ شیوه سرشار از صفت شما هم ممکن است دیگری را عصبانی کند. چه از آن قضاوت در مورد بی‌بی‌سی و چه از این توصیف عجیب و غریب «کول» در مورد بنده. ای کاش فارسی‌اش را می‌نوشتید که دست‌کم بفهمم با چه انتقادی مواجه هستم.

۱- نخیر. شلیک بدون اخطار نبوده و این سخن خلاف واقع است. ۱۱ هشدار داده شده که از این ۱۱ هشدار فقط ۷ هشدار بر روی فرکانس نظامی ارسال شده. همچنان ۳ هشدار دیگر باقی می‌ماند که بر روی فرکانس ۱۲۱.۵ مگاهرتز (فرکانسی که طبق دستور العمل ایران ایر هم اجباری است) ارسال شده و برای پرهیز از فاجعه کاملاً کفایت می‌کند. (در تمام سیستم‌های نظامی - پلیسی حداقل ۳ هشدار قبل از شلیک همین عدد ۳ است) من هنوز در هیچ منبعی توضیحی در مورد بی‌پاسخ ماندن این ۳ هشدار ندیده‌ام. ضمن اینکه نیاز به کشور ضعیف‌تری نبود. همین پرونده به شورای امنیت رفت و قطع‌نامه‌ای هم صادر شد. اما متأسفانه باب میل شما نبود. فقط می‌توانم بگویم بنده هم به شما اطمینان می‌دهم اگر موضوع را کامل روایت کنید و به مخاطب اخبار درست بدهید نتیجه بهتر است تا تلاش برای روایت یکسویه.

۲- اولاً شما کاملاً توضیحی است نامربوط به بحث. من هیچ جا نگفتم ما به آمریکا اعلان جنگ دادیم (یا آمریکا داده). گفتیم در حال درگیری مستقیم بودیم. بخش دوم اظهار نظر شما هم کاملاً جهت‌دار و منحرف کننده است. وقتی می‌گویید کسی نگفته که هواپیمای مسافربری ایرانی حق پرواز از خلیج فارس را ندارد، به صورت ضمنی قصد دارید در ذهن مخاطب این شائبه را ایجاد کنید که آمریکا آگاهانه به سوی یک هواپیمای مسافربری شلیک کرده. در حالی که کل بحث بر سر این است که تصور شلیک کننده این بوده که دارد یک اف ۱۴ را می‌زند.

۳- بند «ثانیا» شما کلاً «زدن به صحرای محشر» است. این‌ها که نوشتید چه ربطی به این بحث دارد؟

۴- این موضع «خودشان هم می‌گویند» ادبیات کیهانی است که شما به خوبی اجرائش می‌کنید. این بحث استفاده ایران از هواپیماهای مسافربری بحث دیگری بود که در کامنت‌ها مطرح شد و طبیعتاً به بحث اصلی مربوط نبود. ضمن اینکه موضع رسمی دولت آمریکا یک چیز است و احتمالات ممکن و دخیل در مساله یک چیز دیگر. فقط ذهنیت توطئه پندار است که یک کشور ۳۰۰ میلیونی را با انبوهی از ضد و نقیض‌های داخلی و یک دولت کاملاً متکثر و مطبوعات آزاد که ای بسا متضاد حرف می‌زنند و حتی ارتشی که این کاپیتانش دارد از آن یکی انتقاد می‌کند را با یک توصیف «خودشان» خلاصه می‌کند.

۵- شما اگر توانستید به زبان فارسی صحبت کنید و این «کول» را ترجمه آن وقت شاید بتوانید منظور من را هم متوجه بشوید. اما تلاش من قطعاً در راستای زدودن سیطره «تنوری توطئه» از افکار عمومی است و مقابله با هرکسی که قصد دارد یک تخصص ماهوی و دایمی میان «آن‌ها» و «ما» را ترسیم کند تا از این دوگانه «ما» و «آن‌ها» شکافی روزافزون میان ایرانیان با جامعه جهانی ایجاد کند.



Bamdad Irani Jul 4, 2013 +3

+آرمان امیری

بسیار زشت صحبت می‌کنید. من ادبیات کیهانی به کار بردم؟ این را فقط به احترام دیگران می‌نویسم و خودتان ولی تا عذر خواهی نکنید دیگر هرگز با شما صحبت نخواهم کرد.

لحن کول یعنی کسی که خیلی خونسرد و بی‌طرف جلوه می‌کند در مواجه شدن با پدیده‌ای که نیاز به موضع‌گیری اخلاقی دارد.

در مورد اخطار نظامی من دقیق ننوشتم. اما مطلبی که عرض کردم درست است:

Throughout its final flight, IR655 was in radio contact with various air traffic control services using standard civil aviation frequencies, and had spoken in English to Bandar Abbas Approach Control seconds before the Vincennes launched its missiles. According to the U.S. Navy investigation the Vincennes at that time had no equipment suitable for monitoring civil ... aviation frequencies, other than the International Air Distress frequency The official ICAO report stated that ten attempts were made to contact Iran Air flight 655: seven on military frequencies and three on commercial frequencies, addressed to an "unidentified Iranian aircraft" and giving its speed as 350 knots (650 km/h), which was the ground speed of the aircraft their radar reported. The crew of the Iran Air 655, however, would have seen a speed of 300 knots (560 km/h) on their controls, which was their indicated airspeed, possibly leading them to conclude that the Vincennes was talking to another aircraft. Both Sides and Vincennes tried contacting flight 655 on several civilian and military frequencies

و این‌جا:

The Italian navy and another US warship, the frigate Sides, confirmed that the plane was climbing—not diving to attack—at the time of the missile strike. The U.S. radio warnings were only broadcast on 121.5 MHz, not air traffic control frequencies and mistakenly identified the altitude and position of the plane, so the Airbus crew, if they were monitoring "guard," could have misinterpreted the warnings as referring to another aircraft. Captain David Carlson of the Sides later said that the destruction of the "airliner" marked the horrifying climax to Rogers' aggressiveness

یعنی ناو اصلاً مجهز به این‌که مکالمات عادی هواپیماهای مسافربری را تشخیص دهد نبوده و اعلان‌هایی که روی آن سه فرکانس تجاری ارسال شده به گونه‌ای بوده که برای خلبان ایرانی عملاً معنایی نداشته. خلبان

ایرانی مجنون که نبوده تهدیدها را بگیرد و بی‌اعتنایی کند. مشکل از فرستنده بوده که به روش قابل تشخیص و فهم یک خلبان مسافری با او صحبت نکرده است.

در مورد شورای امنیت گفتیم قطع‌نامه‌ی الزام آور. دولت آمریکا نه به صورت داوطلبانه و نه از طریق قطع‌نامه مسئولیت این فاجعه را به عهده نگرفته و عذرخواهی رسمی نیز نکرده است.

شما نگفتید اعلان جنگ داده شده، اما درگیری میان آمریکا و ایران را توجیهی برای طبیعی دانستن حمله به هواپیمای مسافربری دانستید. عرض من این است که این توجیه درست نیست چون شرایط جنگی نبوده است و دو کشور خودشان را در حالت جنگ نمی‌دانستند. اگر شرایط رسماً جنگی می‌بود ایران بر فراز ناو آمریکایی پرواز روتین مسافربری نمی‌کرد کمالین‌که بر فراز عراق هم چنین کاری نمی‌کرد.

ثانیا که گفتیم به زمینه‌ی بحث مربوط می‌شود. ناو آمریکایی در درجه‌ی اول در خلیج فارس چه می‌کرد؟ عملاً در حمایت از عراق وارد شده بود. این یعنی حتی اگر یک پله عقب‌تر برویم حضور آمریکا در منطقه در حمایت از متجاوز به ایران بود. یعنی یک حضور متجاوزانه بود و در نتیجه حرکت‌هایی که تحت آن حضور انجام شوند نیز متجاوزانه هستند. یعنی حتی اگر همه چیز هم درست پیش رفته بود و مثلاً آمریکا زده بود یک هواپیمای نظامی را ساقط کرده بود، باز اقدام آمریکا قابل دفاع نبود چون در موضع یک متجاوز ظاهر شده بود. چه برسد به این که چنین فاجعه‌ای رخ داده است.

خودشان می‌گویند در ادبیات محاوره‌ای معنا دارد. یعنی در گزارش‌های رسمی چنین چیزی ذکر شده (تا جایی که می‌دانم. خود گزارش‌ها را خوانده‌ام) و شائبه‌ی ستیزه‌ی جویی کلپتان آمریکایی آمده.

Craig, Morales & Oliver, in a slide presentation published in M.I.T's Spring 2004 Aeronautics & Astronautics as the "USS Vincennes Incident", commented that Captain Rogers had "an undeniable and unequivocal tendency towards what I call 'picking a fight.'" On his own initiative, Rogers moved the Vincennes 50 miles (80 km) northeast to join the USS Montgomery. An angry Captain Richard McKenna, Chief of Surface Warfare for the Commander of the Joint Task Force, ordered Rogers back to Abu Musa, but the Vincennes helicopter pilot, Lt Mark Collier, followed the Iranian speedboats as they retreated north, eventually taking some fire the Vincennes jumps back into the fray. Heading towards the majority of..." the speedboats, he is unable to get a clear target. Also, the speedboats are now just slowly milling about in their own territorial waters. Despite clear information to the contrary, Rogers informs command that the gunboats are gathering speed and showing hostile intent and gains approval to fire upon them at 0939. Finally, in another fateful decision, he crosses the 12-nautical-mile (22 km) limit off the coast and enters illegally into Iranian waters.

انتظار داریم نوشتن‌تان در این پاراگراف که سراسر اتهام به من است را پس بگیرید و عذرخواهی کنید.

در مورد ۵. من فارسی محاوره‌ای صحبت می‌کنم و کول هم یک کلمه‌ی وارداتی به فارسی است که برای هم‌نسل‌های من معنا دارد. همان‌طور که تلویزیون برای خیلی‌هایمان معنا دارد. کول را نمی‌توانم دقیق به فارسی ترجمه کنم، وگرنه این‌کار را می‌کردم. این بحث حاشیه‌ای است، اما من از به کار بردن ادبیات محاوره‌ای چندان ابایی ندارم. اما این لحن شما نیز توهین آمیز است که «شما اگر نتوانستید به زبان فارسی صحبت کنید». من به زبان فارسی صحبت می‌کنم.

باز هم در مورد ۵. بحث ما و آن‌ها نیست. بحث خیلی مشخص است. یک فاجعه رخ داده است و کسانی که مسبب آن بوده‌اند مسئولیت آن را نپذیرفته‌اند. در سالروز این فاجعه این نکته را یادآوری می‌کنیم و انتظار داریم کسی سعی تلاش برای طبیعی بودن آن نکند.

از شما انتظار نداشتیم. اصلاً. من را ناراحت کردید.



Mehdi Omrani Jul 4, 2013

+آرمان امیری

اینکه از عملکرد جنیش سبز یا اصلاحات و موارد مشابه انتقاد می‌کنید و اصرار ی به اینکه رقیب را تقویت کنید ندارید کار درستی است از نظر من هم کار درستی است (البته فکر نمی‌کنم با هم هم نظر نباشیم که اگر این رقیب قدرت را در دست داشت و انتقاد از او موجب بهبود شرایط خود ما نیز شد اینکار را انجام ندهیم) اما در مورد آمریکا از آن جاهایی است که به نظر من مسوولیت روشنفکری متفاوت از جنگ داخلی قبلی است و اینجا از آن جاهایی است که من فکر می‌کنم روشنفکر باید بر ملیت اش تاکید کند. نه به این معنی که از جاده انصاف خارج شود، اما وقتی برای مخاطب اش می‌نویسد که توطئه امپریالیستی جهان بر ضد

ایران واقعیت ندارد، در این حد به یاد مخاطب اش بیاورد آمریکا نیز رفتار قلدر مآبانه در پیش دارد و هنوز بعد از این همه سال يك معذرت خواهي هم انجام نداده و بدهكار است. این تاکید براي رشد فكري و فرهنگي مخاطب داخلي است، نه براي آمریکا. اينها را نوشتم چون از عكس آواتار و از شرح حال کوتاه نوشته شده در ستون كناري مجمع ديوانگان فكر نمي كنم نظرم ان نسبت به منش و رفتار بين المللي حكومت آمريكا (حداقل نسبت به ايران) تفاوت زيادي داشته باشد.



Yesterday 9:52 AM +1 آرمان امیری

Bamdad Irani+ این موضع ادب و مظلومیت برازنده شما نیست. با آن همه مسخره‌بازی که وسط یک بحث جدی وارد کرده‌اید و ابتدا و انتهای کامنتتان را به این تعبیر لوس و مضحک کوردکانه تذهیب کرده‌اید چه هدفی جز بر هم زدن فضای منطقی گفت و گو داشتید؟ من زشت صحبت می‌کنم یا شما گفت و گو را با تیکه انداختن‌های خیابانی اشتباه گرفته‌اید؟ ادبیات «خودشان هم اعتراف کردند» دقیقاً ادبیات کیهانی است و تکرار آن نه نشان‌دهنده سادملوحی گوینده، که نشان دهنده احمق فرض کردن مخاطب و توهین به اوست.

در مورد این همه متن انگلیسی که اینجا نوشتید همان‌طور که گفتم دروغ نگفتید، اما مساله را «کامل» طرح نکردید که خودش کم از فریب مخاطب ندارد. اتفاقاً همین‌که هفت پیام را بر روی فرکانس مخصوص جنگنده‌ها ارسال می‌کنند نشان می‌دهد که تصور آن‌ها کاملاً مواجهه با یک جنگنده بوده. در مورد فرکانس ۱۲۱.۵ مگاهرتز هم همان‌طور که گفتم طبق دستور «ایران‌ایر» تمام هواپیماهای مسافربری باید در منطقه خلیج فارس روی این فرکانس گوش به زنگ باشند که هنوز مشخص نیست چرا خلبان هشدارهای این فرکانس را نگرفته و یا پاسخی نداده.

اینکه «خلبان ایرانی مجنون نبوده» استدلال نیست. قال کردن است. ممکن است خلبان «اشتباه» کرده باشد.

در مورد درگیری ایران و آمریکا باز هم ادعایی مطرح کردید که گویا شیوه معمول شما در گفت و گو است و تکرار آن من را متقاعد می‌کند که با سوءنیت قصد فریب مخاطب خود را دارید. این ادعای شما که من «درگیری میان آمریکا و ایران را توجیهی برای طبیعی دانستن حمله به هواپیمای مسافربری» دانستم تماماً دروغ و کذب است. شما یا نمی‌توانید اول متن را بخوانید و بعد جواب بدهید یا آشکارا دروغ‌گو هستید و قصد دارید به هر قیمتی که شده حرف نادرست خودتان را به کرسی بنشانید. من درگیری مستقیم ایران و آمریکا را صرفاً دلیلی برای «عذرخواهی نکردن» آمریکا دانستم و نه حمله به یک هواپیمای مسافربری.

ثانیاً شما همچنان زدن به صحرای محشر و کاملاً نامربوط به این بحث است. ناو آمریکایی در آب‌های ایران بوده چون آمریکا در آن زمان به ایران حمله کرده است. اینکه آمریکا بیجا کرده به ایران حمله کرده و متجاوز بوده بحثی کاملاً نامربوط به بحث حاضر است. وقتی در مورد استفاده عراق از سلاح شیمیایی داریم حرف می‌زنیم اینکه اصلاً عراق چرا به ایران حمله کرده یک بحث انحرافی است که برای به حاشیه راندن موضوع اصلی مطرح می‌شود. این حرف شما هم فقط بحث را از موضوع اصلی این نوت که در موردش هیچ حرف منطقی و مستدلی ندارید دور می‌کند تا با روضه‌خوانی پیرامون مظلومیت ایران در هنگام حمله عراق یا آمریکا یک بحث کاملاً مجزا را بدیهی قلمداد کنید.

«خودشان می‌گویند» در توصیف یک کشور ۳۰۰ میلیونی یا شیوه بحث آنانی است «نمی‌دانند» یا اینکه «مخاطب خودشان را نادان» فرض می‌کنند. این شما هستید که باید دست از شیوه تماماً دروغ‌پردازانه و موضع تماماً نفرت پر اکن و توطئه‌پندار خود بردارید و سپس به ازای تک‌تک دروغ‌هایی که به من منتسب کردید عذرخواهی کنید. با پیش‌دستی در موضع مظلوم‌نمایی حقانیتی در نگاه من ایجاد نمی‌کنید.

من نمی‌دانم شما چه انتظاری از من داشته‌اید. اما دلیل ناراحتی شما اگر این است که حرفی خلاف میل‌تان شنیده‌اید که توانایی رد و انکار منطقی آن را ندارید ناراحتی نایجابی است. بهتر است بروید و در دیدگاهتان تجدید نظر کنید. البته تغییر همواره دردناک و گاه ناراحت‌کننده است اما نتیجه‌اش می‌تواند خوب باشد.



Yesterday 10:33 AM آرمان امیری

Mehdi Omrani+ ببینید رفیق جان

من حرف شما را متوجه می‌شوم. از همان جنبش سبز هم که شروع کنم، طبیعتاً هرکجا که انتقاد مربوط به ساختار قدرت باشد، مثلاً کلیت عملکرد دستگاه قضایی (که قابل اصلاح است) یا کلیت عملکرد مجلس (که محل نمایندگان مردمی است و باید باب نظرات مردمی عمل کند) یا حتی ریاست‌جمهوری که به هر حال باید منتخب مردم باشد و طرح‌هایی نظیر حذف یارانه‌ها، من انتقاد خودم را مطرح کرده و می‌کنم. (فکر می‌کنم اینجا موافق باشیم و بحثی نباشد)

اما در مورد مساله رابطه کشور خودمان با جهان، اول اینکه من خواهش می‌کنم شما به نوت بالا مراجعه کنید. لطفاً واژگان این نوت را دقیقاً بخوانید و بار دیگر مرور کنید که این نوت هیچ چیزی نیست جز شفاف‌سازی دو نکته در جریان یک مناظره. متأسفانه شیوه نادرستی در مناظره های کشور ما وجود دارد که داورى در این مناظره‌ها وجود ندارد. بحث من این نیست که زیباکلام کلاً در این مناظره حق دارد یا کوشکی کلاً اشتباه می‌کند. اما من می‌گویم اگر من مسوول برگزاری این مناظره بودم وقتی اختلاف به دو موردی رسید که «روی‌دادی قطعی» است باید وارد شوم و آمار درست را ارایه کنم.

Hangouts

شما مثلاً در مناظره ریاست جمهوری هم این را می‌بینید که طرفین به جای اینکه سر برنامه‌ها با هم مناظره کنند سر مسایلی نظیر نرخ واقعی تورم اختلاف دارند. این واضحا مضحک است. در همه جای جهان این اعداد و ارقام قطعی است. مجری باید نرخ تورم را همان‌طور که هست اعلام کند و از طرفین بخواهد حالا بحث را بر اساس همین اعداد دنبال کنند. نوت من هم از این جهت نوشته شد که گویا آنجا کسی به اینترنت دسترسی نداشته و دو خیر قطعی را دارند سرش چانه می‌زنند. کوشکی می‌توانست بگوید «درست است که در مراسم تقدیر راجرز از حمله او به نام ایرانی تقدیر نشده، اما همینکه او را به دلیل این حمله مواخذه نکرده‌اند خودش کار بدی بوده». آن وقت حرف کوشکی توجیه‌پذیر بود. اما اینکه از اساس یک مساله کاملاً مشخص را وارونه کنند و به دروغ بگویند به دلیل حمله به هواپیمای ایرانی از او تقدیر شده «مردم فریبی» است.

اما در مورد بحث نهایی، ببینید دوست من، به قول شما از همین تصویر نمایه بر می‌آید که بنده اینجا دفتر حافظ منافع آمریکا باز نکرده‌ام. ما هر چه را فراموش کنیم کودتای ۳۲ و دخالت غیرمشروع در حاکمیت ملی کشور را فراموش نمی‌کنیم. کسی هم ادعا نکرده که آمریکا به قصد منافع خودش منافع ملی ما را زیر پا نگذاشته. اما این یک بحث است، دامن زدن به وضعیت «دایی جان ناپلونی» یک بحث دیگر است. نتیجه این شیوه یک طرفه به قاضی رفتن می‌شود سیاست مقاومت و نماینده تمام عیارش هم می‌شود سعید جلیلی! چون فقط بلد است بگوید غرب می‌خواهد ما را استعمار کند و ما باید مقاومت کنیم.

اما من سیاست دیگری هم می‌شناسم. مثلاً سیاست روحانی یا حتی ولایتی. می‌گوید «درست است که غرب منافع خودش را پی‌گیری می‌کند، اما شما هم می‌توانید با اصلاح رفتار خودتان به صورت بهتری از منافع خودتان دفاع کنید». وقتی مدام و به صورت یکجانبه همه تاریخ را روایت کنیم، امکان این اصلاح رفتار وجود نخواهد داشت. وقتی همه‌اش بگوییم که آمریکا کودتا کرد، آن وقت ممکن است مخاطب فراموش کند که از نگاه یک آمریکایی هم ایران ممکن است فقط کشوری باشد که در یک حرکت غیرمتمدنانه سفارت این کشور را اشغال کرده و دیپلمات‌هایش را به گروگان گرفته! آیا نباید به مخاطب گفت که آمریکایی‌ها در زمان کلینتون پیش‌قدم شدند و به صورت ضمنی به دلیل کودتای ۲۸ مرداد از ایرانیان پوزش خواسته و آن را عملی اشتباه خواندند اما در نقطه مقابل ایرانیان هیچ وقت حاضر نشدند اشغال سفارت را یک اشتباه بخوانند؟

اینجا انتقاد می‌کنند که چرا آمریکا عذرخواهی نکرده. من نمی‌گویم عذرخواهی نکردن در چنین موردی کار درستی است. اما می‌گویم اول یک سوزن به خودت بزن بعد یک جوال‌دوز به دیگران. طرف هم که دیوانه نیست. با کشوری مواجه است که هیچ چیزی را گردن نمی‌گیرد و از هیچ کدام از کارهای بد خودش عذرخواهی نمی‌کند. جایی هم که دیگر کور مادرزاد می‌فهمد اشتباه بوده باز هم با هزار توجیه و سفسطه وارد می‌شود تا از زیر بار پذیرش کامل اشتباه شانه خالی کند. حالا چطور انتظار داریم آمریکا به صورت یکجانبه «نجابت و انصاف» به خرج بدهد و مدام از ایران عذرخواهی کند، در حالی که اینجا همه فقط «مرگ بر آمریکا» می‌گویند و هیچ چیزی را گردن نمی‌گیرند؟

در نهایت اینکه شهروند ایرانی باید از خودش بپرسد که انگلستان آن کاری را که با ایران کرد، ده‌ها مرتبه و ای بسا بسیار وحشیانه‌تر و گسترده‌تر با هندوستان کرد. اما چطور است که امروز هندی‌ها یکی از کشورهای بزرگ و تاثیرگذار و پذیرفته شده در جامعه جهانی هستند اما ایران تا بدین حد در انزوا است؟ چرا هندی‌ها اینقدر کینه‌هایشان را در دل حفظ نکرده و همچنان از وحشت «استعمار و امپریالیسم» در خودشان فرو نرفته‌اند؟ رابطه آلمان با جهان چطور است؟ آیا همین کشور حدود ۶۰ سال پیش از جانب جامعه جهانی اشغال و ویران نشد؟ آیا آمریکا علاقه ندارد که منابع و منافع آلمان را چپاول و نقض کند؟ پس چطور است که آلمان تا بدین حد در جامعه جهانی بزرگ و تاثیرگذار است؟ همه چیز آیا در رفتار آمریکای استعمارگر و انگلستان پیر خلاصه می‌شود؟ یا این طرف هم دچار توهم و موقعیت فسادانگیز مظلوم‌نمایی فرو رفته است؟



Mohsen Ghamari Yesterday 5:55 PM

Add a comment...